

گفت‌وگو با جهانبخش سلطانی؛ از بازی‌اش در سریال‌های خاطره‌انگیز تلویزیون تا فیلم‌های سینمایی

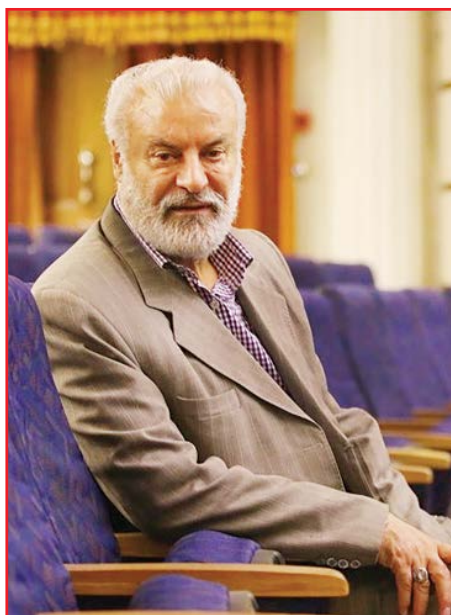
# دفاع مقدس، شناسنامه و هویت کشور است



زهرا صلواتی

خبرنگار

در کارنامه جهانبخش سلطانی، رنگین‌کمانی از نقش‌های متنوع به چشم می‌خورد؛ از کارآگاه طنز سریال «سرنخ» گرفته تا فرعون مصر در «یوسف پیامبر» و ناظم خشن «قصه‌های مجید». این بازیگر ۷۳ ساله البته کارنامه پربار و قابل‌اعتنایی در ژانر دفاع مقدس دارد و فیلم‌هایی از جمله افق، شب دهم، عملیات کرمک، الماس بنفش و حماسه مجنون نقش‌آفرینی کرده است. عملکرد سلطانی در تلویزیون شاید به لحاظ کمی خیلی پررنگ نباشد، اما از نظر کیفی قابل توجه و ارزشمند است و بازی‌های خاطره‌انگیز و ماندگار او در سریال‌های مردان آنجلس، سرنخ، قصه‌های مجید، یوسف پیامبر و سر دلبران همچنان در خاطر جمعی مخاطبان قاب‌کوچک به یادگار مانده است. آخرین حضور این هنرمند در تلویزیون اما به بازی در سریال «کامیون» در چهار سال پیش بازمی‌گردد. خودش علت این کم‌کاری را حضور در فیلم‌های کوتاه و بازگشت به زادگاهش اصفهان و به‌رو صحنه‌بردن نمایش در این شهر ذکر می‌کند. سلطانی البته مدتی است که درگیر ساختن فیلم کوتاه هم هست. این بازیگر پیشکسوت حضور پررنگش در سینمای دفاع مقدس را نوعی ادای دین به نقش‌آفرینان و حماسه‌سازان در این واقعه ماندگار عنوان می‌کند و تاکید دارد که یاد و خاطره دفاع مقدس همیشه باید زنده بماند.



که باید تمام قد و با عشق از آن دفاع کرد.

**[۴]** شما نقش‌های متفاوتی را در سریال‌های ماندگاری مثل یوسف پیامبر، سرنخ، مردان آنجلس، قصه‌های مجید، سر دلبران و... ایفا کرده‌اید. کدام یک از این نقش‌ها و سریال‌ها برای خودتان محبوبیت بیشتری دارد؟

هنرمند نمی‌تواند از بین کارهای خود یکی را انتخاب کند. اصولاً هنرمند برای تفریح کار نمی‌کند و یا از سر بیکاری سراغ بازیگری نیامده است، بلکه به خاطر ادای دین به این حوزه ورود کرده و دوست دارد ماندگار شود و مردم به نیکی از او یاد کنند. یک هنرمند نمی‌تواند کارهایش را از هم جدا کند، چرا که مثل فرزندانش هستند. همه کارهایم برایم عزیز است. حالا شاید برای یک کار زحمت بیشتری کشیده باشم و مردم بیشتر استقبال کرده باشند.

**[۴]** مردم معمولاً در کوچه و خیابان شما را با کدام نقش‌تان به یاد می‌آورند؟

بیشتر قصه‌های مجید را دوست دارند و از آن یاد می‌کنند. بعضی‌ها هم سریال یوسف پیامبر یا نقش شهید خزاری را بیشتر می‌پسندند. مرحوم پوراحمد از سری قصه‌های مجید فیلمی ساختند به اسم شرم که به جشنواره فجر راه یافت و در رقابت با آقایان عبدی و قریبیان، من به‌عنوان بهترین بازیگر نقش دوم مرد انتخاب شدم و سیمرغ گرفتم.

**[۴]** یکی از نقش‌های متمایز و خوب شما نقش امیر حسین اوصیادریال سرنخ بود. کارآگاهی طنز که برخلاف اغلب کارآگاهان و پلیس‌هایی که پیش از این دیده بودیم خشک و رسمی نبود و حتی با متهمان و مجرمان هم با آرامش صحبت می‌کرد.

سریال سرنخ کار خیلی خوبی بود. مرحوم پوراحمد معتقد بود که ما نمی‌خواهیم دروغ بگوییم و مردم را فریب دهیم، پس خود واقعی‌تان باشید. به من می‌گفت با همان لهجه اصفهانی بازی کن و حتی اجازه گریه هم نمی‌دادند. تاکید داشتند که باید ارتباط ملموس و باورپذیری با مخاطب داشته باشیم. به همین دلیل، به شخصیت سریال کارآگاه یک وجهه طنز داده بودیم.

**[۴]** مدتی هم صحبت از ساخت سری دوم سرنخ بود. با آقای خداوینی صحبت کردیم و سه قسمت هم ساخته شد. قرار بود سری دوم سریال با ۲۲ قسمت ساخته شود و آقای خداوینی رفتند برای گرفتن بودجه و بقیه کارهایش که خبری نشد. بعد هم ایشان برای کارهای دختران‌شان رفتند خارج از ایران و فعلاً خبری نیست.

**[۴]** پس کارگردان فصل دوم سریال سرنخ مرحوم پوراحمد نبود؟

آقای خداوینی کارگردان بودند. البته ما برای همین سه قسمت که ساخته شد هم پیش آقای پوراحمد رفتیم و اجازه گرفتیم. ایشان فیلمنامه را خواندند و گفتند عالی است، بازی‌کن جهانبخش.

**[۴]** هرچند شما را با نقش‌های مثبت به‌ویژه در آثار متعلق به ژانر دفاع مقدس به یاد می‌آوریم اما در برخی فیلم‌ها و سریال‌ها مثل صبح روز بعد و سر دلبران نقش‌های خاکستری متمایل به منفی هم بازی کرده‌اید. خودتان چه نوع نقش‌هایی را می‌پسندید؟

نقش‌های مثبت را بیشتر دوست دارم و در انتخاب نقش‌های منفی هم باید ابتدا فیلمنامه را بخوانم و بررسی کنم که آیا آن شخصیت منفی به راه درست برمی‌گردد و به نوعی حماسه می‌آفریند یا نه.

آثار نمایشی دفاع مقدس ادای دینی داشتیم به خون شهدا.

**[۴]** اتفاقاً شما در فیلم‌های دفاع مقدس حضور پررنگی داشته‌اید. این حضور پررنگ چقدر به مسائل و پیشنهادات کاری مربوط می‌شد و چقدر به علاقه شخصی‌تان به حوزه دفاع مقدس؟

با کسانی در این حوزه کاری کردم که نمی‌توانستند از دفاع مقدس جدا باشند. نگاه سرگرمی به این موضوع نداشتند و برای تعهد و رسالت‌شان کار می‌کردند و به دنبال انتقال پیام‌های ارزشمند بودند و به درستی به مردم و دفاع مقدس ادای دین می‌کردند. همان‌طور که از دفاع مقدس به بزرگی یاد می‌کنند، ما نیز به دنبال این مضامین بودیم و سعی داشتیم خنثی و بی‌تفاوت نباشیم. مثلاً برای فیلم «شب دهم» به مدت دو سال با آقای شوره در اهواز بودیم.

**[۴]** در سینما فیلم‌های ماندگاری مثل افق، عملیات کرمک، باشگاه سری و... را در حوزه دفاع مقدس دارید ولی حضورتان در سریال‌های دفاع مقدس تلویزیون پررنگ نیست.

در دهه ۶۰ تلویزیون بیشتر همان فیلم‌های سینمایی دفاع مقدس را پخش می‌کرد و کمتر خودش به این حوزه می‌پرداخت. بیشتر تمرکز تلویزیون بر معضلات خانوادگی و اجتماعی بود. به هر حال، هرکدام از این رسانه‌ها وظایف خودشان را داشتند و در هر حوزه‌ای می‌توانیم کار هنرمندانه و شریف کنیم. دفاع مقدس در واقع شناسنامه و هویت یک کشور است.



مرحوم پوراحمد از سری قصه‌های مجید فیلمی ساختند به نام «شرم» که من به‌عنوان بهترین بازیگر نقش دوم مرد انتخاب شدم و سیمرغ گرفتم

**[۴]** این روزها چه می‌کنید و مشغول چه کاری هستید؟

یک سالی می‌شود که به دنبال تصویب بودجه برای فیلم کوتاه «تومورهای خوش‌خیم» هستم که تا الان بی‌نتیجه بوده است. وزارت ارشاد مجوز ساخت این فیلم کوتاه را داده اما تا مین بودجه نشده است. در حال حاضر هم تئاتری به اسم «ارث‌خورها» را به کارگردانی فریدون سورانی در اصفهان کار می‌کنیم.

**[۴]** آخرین سریال شما در تلویزیون کامیون بود و بعد از آن کاری نداشته‌اید. چرا این قدر کم‌کار شده‌اید؟

بعد از سریال کامیون بیشتر کارهایم کوتاه بود. مدتی حال و حوصله نداشتم و علی‌رغم پیشنهادهایی که بود، کار نمی‌کردم. مدتی هم هست که به اصفهان آمدم و می‌خواهم اینجا کار کنم. بعد هم باید از کارگردانان و تهیه‌کنندگان بپرسید که چرا امثال من کم‌کار شده‌اند.

**[۴]** امور زندگی و معیشت شما از چه طریقی می‌گذرد؟

من بازنشسته وزارت بهداشت و درمان هستم.

**[۴]** چرا سریال‌های قدیمی مثل سرنخ و قصه‌های مجید که در آنها بازی داشته‌اید تا این حد ماندگار شده‌اند؟

این سریال‌ها به معنای واقعی درام بود. با کسانی کار می‌کردیم که بیشتر تعهد داشتند و در قبال مردم و جامعه احساس مسئولیت می‌کردند. دغدغه ادای دین به فرهنگ و هنر مملکت را داشتند و به نوعی شناسنامه فرهنگی محسوب می‌شدند و نمی‌خواستند اعتبارشان خدشه‌دار شود. خیلی مهم است که بدانی برای چه کسی و چه چیز و چرا و چگونه کار می‌کنی. کارها به معنای واقعی کلمه درام بود که خیلی از آنها ماندگار شده و به شکل یک پشتوانه فرهنگی درآمدند، مثل سریال یوسف پیامبر. آن سال‌ها کارگردانان و بازیگران می‌خواستند فردای روشنی را برای نسل امروز رقم بزنند. کار کردن ما هم‌زمان بود با هشت سال دفاع مقدس. مردم با تمام وجود و در نهایت صداقت به جبهه‌ها می‌رفتند و شهید می‌شدند و در واقع شهادت را سعادت می‌دانستند. ما بازیگران هم با بازی در